

بررسی تأثیر ابعاد فضاهای داخلی مسکن معاصر بر رضایتمندی و اقامت ساکنین

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۲/۲۵

محمد صادق طاهر طلوع دل (دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران)
اسماعیل ضرغامی (استاد گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران)
امید حیدری پور* (دانشجوی دکتری معماری، دانشکده مهندسی معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران)
سینا کمالی تبریزی (دکتری معماری، دانشکده مهندسی معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران)

چکیده

رضایتمندی سکونتی از جمله مهم‌ترین مباحث ذهنی کیفیت زندگی در حوزه مسکن به‌شمار می‌رود. ابعاد فضاهای واحد مسکونی، یکی از شاخص‌های رضایتمندی سکونتی می‌باشد. از شاخص‌های دیگر رضایت از سکونت، میل به اقامت طولانی‌تر در آن مکان است؛ که در پژوهش‌های مختلف، به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل مرتبط با رضایتمندی مطرح گردیده است. بر همین اساس، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ابعاد فضاهای داخلی مسکن معاصر بر رضایتمندی و به‌تبع آن اقامت ساکنین می‌باشد. رویکرد اصلی پژوهش کمی با دو روش تحلیل محتوا اسنادی و پیمایشی می‌باشد. در بخش تحلیل محتوای اسنادی، ۱۶۰ پژوهش حوزه رضایتمندی سکونتی، از طریق نمونه‌برداری هدفمند با تکنیک گلوله برفی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین پیمایش در سه بخش، ابعاد فضاهای مسکن، رضایتمندی سکونتی و میل به اقامت بیشتر با جامعه آماری ساکنین مسکن معاصر انجام شده است. الگوی مسکن مورد پژوهش، رایج‌ترین الگوی مسکن در شهرهای بزرگ یعنی مسکن آپارتمانی متداول با تعداد واحد محدود، زیر ۱۰ واحدی در شهر اصفهان و حجم نمونه نهایی این پژوهش ۲۷۰ نفر از ساکنین می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحلیل محتوا، شاخص‌های کالبدی یکی از ابعاد جدایی‌ناپذیر رضایتمندی سکونتی و ابعاد فضاهای داخلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آن می‌باشد. در بخش پیمایش بر اساس مدل مفهومی، در طول پیشینه تحقیق، مدل ساختاری بین ابعاد فضاهای داخلی، رضایتمندی سکونتی و میل به اقامت بیشتر تبیین شده است و تأثیر مساحت بر رضایتمندی ساکنین معناداری و با ضریب بالای ۰/۸۶ به‌دست آمده است. همچنین رضایتمندی بر میل به اقامت بیشتر، با ضریب ۰/۹۳ تأثیر معناداری دارد. بنابراین با توجه به اینکه هر دو مسیر معنادار هستند، نتیجه می‌شود که رضایتمندی در رابطه مساحت و مدت اقامت نقش میانجی دارد.

واژه‌های کلیدی: رضایتمندی سکونتی، ابعاد فضا، مسکن آپارتمانی، فضاهای داخلی مسکن، مدت اقامت.

* نویسنده رابط؛ Ambiiid@yahoo.com

مقدمه

در برنامه‌ریزی‌های کلان بین‌المللی، مسکن همیشه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان مورد توجه بوده است. اما امروزه با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط ساخته‌شده به‌منظور تأمین رضایت ساکنان افزایش‌یافته است. در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و انتظارات ساکنان در محل سکونت، حس تعلق به محیط را در آن‌ها افزایش می‌دهد و باعث رضایتمندی آن‌ها می‌شود (Campbell et al, 1976). رضایتمندی ساکنین یکی از مباحث مورد توجه در پژوهش‌های مرتبط با مسکن و محیط اطراف آن است که تحت عنوان رضایتمندی سکونتی مطرح می‌شود (Ghosh, 2006) و تابع مؤلفه‌ها و متغیرهای گوناگونی است. عواملی چون سن، جنس، سلايق شخصی، سطح تحصیلات، درآمد و طبقه اجتماعی، تعداد اعضای خانوار، مالکیت و وضعیت همسایگان بر روی رضایتمندی از مسکن تأثیر به‌سزایی دارد (Gifford, 1999).

رضایتمندی سکونتی پدیده‌ای چندی بعدی و پیچیده است که می‌تواند به‌عنوان عاملی در جهت تحلیل، مقایسه و ارزش‌گذاری میزان پاسخ محیط مسکونی به نیازهای ساکنین به کار گرفته شود (شعبانی، ۱۳۹۵، ۵۲). همان‌طور که گفته شد، این مفهوم به عوامل بسیاری بستگی دارد و در ابعاد مختلفی مورد سنجش قرار می‌گیرد (ابدالی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از ابعاد بررسی رضایتمندی سکونتی، بعد کالبدی و یکی از شاخص‌های بعد کالبدی، ابعاد و اندازه‌های فضاهای داخلی مسکن است. طبیعتاً تغییر در ابعاد و اندازه‌های فضاهای داخلی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر رضایتمندی سکونتی داشته باشد؛ به‌طوری‌که میزان و نحوه این تأثیر، مورد توجه پژوهشگران زیادی بوده است. همچنین از نمودهای دیگر رضایت از سکونت، میل به اقامت طولانی‌تر در آن مکان است؛ به‌طوری‌که وقتی فردی از مکان سکونت خود راضی باشد، تمایل به اقامت طولانی‌تر در آن را دارد (Parasuraman et al, 1985). با بررسی این دو ارتباط به‌صورت توأمان، می‌توان تشخیص داد که ابعاد و اندازه‌های فضاهای مسکونی می‌تواند بر مدت اقامت و میل به اقامت بیشتر در مکان تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این مهم برای معماران و طراحان که امروزه بر اساس شرایط جدید از خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کننده آتی دورمانده‌اند می‌تواند حائز اهمیت باشد. بر همین اساس این پژوهش به بررسی تأثیر ابعاد فضاهای داخلی مسکن معاصر بر رضایتمندی و اقامت ساکنین می‌پردازد. بر این اساس فرضیه اصلی این پژوهش را می‌توان در قالب تأثیر مستقیم ابعاد فضاهای داخلی مسکن بر رضایتمندی و به طبع آن میل به اقامت ساکنین معرفی کرد.

رضایتمندی سکونتی و ابعاد آن

همان‌طور که گفته شد، یکی از ابعاد رضایت از زندگی، رضایت از محیط مسکونی می‌باشد که معادل میزان رضایت تجربه شده فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود و تحت عنوان رضایتمندی سکونتی شناخته می‌شود (Ge&Kazunori, 2006). بر اساس نظر چود هاری (2005) رضایتمندی سکونتی را می‌توان شاخصی برای ارزیابی وضعیتی شخصی معرفی کرد که فرد در محیط مسکونی خود بر مسائل و تسهیلات کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه دارد و از کیفیت آن‌ها رضایت دارد (Choudhury, 2005). همچنین تک هانگ (2012) رضایتمندی سکونتی را میزان رضایت فرد از وضعیت سکونت کنونی‌اش و روشی اصولی در جهت ارزیابی و سنجش کیفیت مسکن می‌داند که ساختاری چندبعدی است و بر اساس مؤلفه‌هایش تبیین می‌شود (Teck-hong, 2012).

به‌طور کلی رضایتمندی سکونتی یکی از موضوعاتی است که در زمینه محیط‌های مسکونی به‌عنوان بخش مهمی از حوزه رضایت از زندگی مطالعه شده و نتایج نشان از همبستگی بالای رضایت از زندگی و رضایت سکونتی دارد (Ge&Kazunori, 2006). رضایتمندی سکونتی از موضوعات مهم در جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی است (Dekker et al., 2011) تا حدی که عباس زاده و گوهری (۱۳۹۲) و کرنی (2006) رضایتمندی سکونتی را بعد از رضایت از زندگی زناشویی، دومین عامل مهم در رضایت از زندگی می‌دانند (عباس زاده و گوهری، 1392، Kearney, 2006). رضایتمندی به‌عنوان یک معیار عام برای سنجش ادراک کیفیت محیط مطرح‌شده است (علی پور و شهابیان، ۱۳۹۸). مهم‌ترین تحقیقات انجام‌شده در زمینه رضایتمندی در تحقیقاتی مرتبط با سنجش میزان کیفیت محیط در نواحی سکونتی مطرح‌شده است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). این مفهوم به‌عنوان عامل بسیار مهم در طراحی و برنامه‌ریزی مطرح‌شده است (Yang, 2008)؛ به‌طوری‌که شکست بسیاری از پروژه‌های مسکن از فقدان دانش در عوامل تعیین‌کننده رضایتمندی سکونتی ناشی می‌شود (Sam et al., 2012).

جدول ۱: ابعاد شاخص‌های رضایتمندی سکونتی در پژوهش‌های مختلف

پژوهش	سال پژوهش	حوزه	ابعاد شاخص‌های رضایتمندی سکونتی
Foote	1960	مسکونی	اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی
Lansing & Marans	1969	-	عینی و ذهنی
Canter	1977	مسکونی	فضایی (معماری و شهرسازی)، انسانی (همچون روابط اجتماعی)، عملکردی (خدمات و تسهیلات)
Schmidt et.al	1979	-	فردی، فرهنگی

شخصی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی	مسکونی	1981	Galster&Hesser
محیطی، مشخصات فردی، باورها و اعتقادات هنجاری و رفتاری، ادراک، احساسات و نیت رفتاری	مسکونی	1987	Francescato et al.
شرایط فیزیکی، - زیست‌محیطی، ویژگی‌های موقعیتی، تسهیلات و خدمات محلی، محیط اجتماعی - فرهنگی	همسایگی	1988	Connerly & Marans
عینی (کالبدی) و ذهنی (روان‌شناختی)	مسکونی	1990	Amérigo & Aragonés
عینی و ذهنی و رفتاری	مسکونی	1997	Amérigo & Aragonés
شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی	-	1997	Van Poll
کالبدی، اجتماعی، عملکردی، زمینه‌ای	شهری، مسکونی	1999	Bonaiuto et al.
عینی و ذهنی	-	2005	Mccrea et al.
ویژگی اعضای خانواده، ویژگی‌های محیط خانه، امنیت، روابط با همسایه، ظاهر خانه	مسکونی، همسایگی	2005	Kellecki & Berkoz
فضایی، انسانی، عملکردی، زمینه‌ای	شهری، مسکونی	2006	Bonaiuto et al,
کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مدت سکونت	شهری	2006	Potter & Cantarero,
فرهنگی، اجتماعی	همسایگی	2008	Hur & Morrow Jones
فرهنگی	مسکونی	2010	Hip
ویژگی‌های فیزیکی واحد مسکونی، خدمات در واحد مسکونی، رضایت از امکانات عمومی و محیط اجتماعی در منطقه مسکونی	شهری، مسکونی	2012	Mohit & Azim

(مأخذ: نگارندگان)

اهمیت این مفهوم در طراحی مسکن تا حدی است که مش و منر (1998) رضایت را به‌عنوان شاخص ارزیابی محیط کالبدی و اجتماعی به‌صورت توأمان ذکر کرده‌اند که بالا بودن میزان این شاخص ساکنان را ترغیب به سکونت طولانی‌مدت در مکان و کم بودن میزان این شاخص، آنان را به مهاجرت از مکان تشویق می‌نماید (Mesch & Manor, 1998). این موضوع را می‌توان دلیل خالی از سکنه ماندن برخی پروژه‌های بزرگ مسکن از جمله مسکن مهر دانست که مشکلات فراوانی را در پی داشته است.

رضایتمندی سکونتی به‌عنوان یکی مهم‌ترین مباحث ذهنی کیفیت زندگی، توسط پژوهشگران مختلف به ابعاد مختلفی تقسیم شده است. فوته (1960)، چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی را برای رضایتمندی سکونتی در نظر می‌گیرد. پاتر و کانتررو (2006) در کنار این چهار بعد، سکونت را به‌عنوان موضوعی دارای اهمیت مطرح می‌کند. گستر و هسر (1981) نیز با در نظر نگرفتن بحث اقتصادی در بحث رضایتمندی سکونتی و تبیین بعد شخصی، رضایتمندی را تحت تأثیر مستقیم بعد کالبدی و متأثر از ویژگی‌های شخصی، فرهنگی و اجتماعی فرد به‌طور غیرمستقیم می‌دانند. ون پل (1997) در این بین، جامع‌ترین

ابعاد رضایتمندی سکونتی را با پنج بعد شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی مطرح می‌سازد.

بعد کالبدی رضایتمندی سکونتی

بعد کالبدی رضایتمندی سکونتی در پژوهش‌های زیادی همچون کلکسی و برکوز (2005)، فرانسسکاتو و همکاران (1987)، آمریگو و آرگونز (1990) تبیین شده است. توجه به این بعد رضایتمندی سکونتی از اوایل سال 1960، در قالب ارزیابی بازخورد ساکنان از پروژه‌های مسکن، اساس بهینه‌سازی طرح‌های توسعه معماری قرار گرفت و فرایند طراحی معماری را تحت تأثیر قرار داد (Mohit & Azim, 2012). تمامی مباحث معماری را می‌توان در این بخش جانمایی کرد. بر این اساس، ابعاد فضاهای داخلی مسکن نیز در جایگاه کالبدی مطرح و قابل بررسی است.

اما رضایتمندی سکونتی را می‌توان در دو بعد عینی و ذهنی نیز تبیین کرد. لنسینگ و مارانز (1969)، در مورد رضایتمندی سکونتی، ویژگی‌های عینی و ذهنی را معرفی می‌کنند. آمریگو و آرگونز (1990) نیز، ارزیابی حس رضایت را در دو بعد عینی و ذهنی و در پژوهش دیگر (1997)، سطح رفتاری را در کنار دو سطح عینی و ذهنی مطرح می‌کنند. مک کری و همکاران (2005) هم به سنجش رضایتمندی سکونتی در دو بعد عینی و ذهنی اعتقاد دارد. بر این اساس می‌توان ابعاد کالبدی را در دو سطح عینی و ذهنی مورد بررسی قرار داد.

ابعاد فضاهای داخلی مسکن

همان‌طور که گفته شد، عوامل کالبدی مسکن یکی از اجزای تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی ساکنین و رضایتمندی سکونتی است. از حدود ۱۹۶۰ میلادی در پژوهش‌های مختلفی همچون فوته (1960)، گستر و هسر (1981)، ون پل (1997)، بنایتو (2006, 1999) و همچنین پاتر و کانتررو (2006) به این عوامل توجه شده است. کنتر (1977) نیز عوامل فضایی را از عوامل مؤثر بر رضایتمندی مجتمعات مسکونی معرفی کرده است (Canter, 1977). در این میان، ابعاد فضا یکی از مؤلفه‌های مورد توجه بوده است.

آمریگو و آراگونس (1990) دل‌بستگی به همسایگی، مساحت فضا، امنیت، تأسیسات زیربنایی، تعامل با دنیای اطراف و فضای باز طبیعی را از جمله معیارهای رضایتمندی شخص از مکان می‌دانند (Amerigo & Argones, 1990). گردن شو (1994) نیز، اندازه فضاهای واحد مسکونی را در کنار طراحی واحد مسکونی از عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی کالبدی می‌داند. همچنین ون پل (1997)، ابعاد اتاق‌های واحد مسکونی و مساحت واحد مسکونی را به‌عنوان

یکی از شاخص‌های ارزیابی رضایتمندی سکونتی تعریف می‌کند. در همین راستا، مولدر و هویمجر (1999) نیز اندازه فضاها را در رضایتمندی سکونتی مؤثر می‌دانند. همچنین باسولو و استرانگ (2002) معتقدند ویژگی‌های فیزیکی فضای آشپزخانه، محل غذاخوری، اتاق خواب و حمام، تأثیر قابل توجهی در رضایتمندی ساکنان از مسکن دارد (Basolo & Strong, 2002). چود هاری (2005) هم اشاره مستقیم به مساحت فضا دارد و معتقد است معیارهایی چون مساحت فضا، تعاملات اجتماعی، امنیت، تأسیسات زیربنایی، ارتباط با دنیای اطراف، فعالیت‌های شهری و فضای باز طبیعی تأثیر فراوانی در شکل‌گیری حس رضایت از محیط مسکونی دارا می‌باشد (Choudhury, 2005). مک کری و همکاران (2005) هم ابعاد مسکن را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مؤثر در ارزیابی رضایتمندی سکونتی مطرح می‌سازد (Mccrea et al., 2005). لی و سانگ (2006) اندازه فضاها و طراحی واحد مسکونی را به‌عنوان شاخص معرفی می‌کنند. محیط و همکاران (2010) تعداد و اندازه اتاق‌های فضای مسکونی را به‌عنوان یکی از عوامل کالبدی مؤثر بر رضایتمندی تبیین می‌کنند. در پژوهشی دیگر، محیط و عظیم (2012)، در منطقه مسکونی عمومی در مالدیو، رضایت ساکنان از ویژگی‌های فیزیکی واحد مسکونی همچون تهویه، شرایط شست‌وشو، اندازه آشپزخانه و اندازه منطقه مسکونی و خدمات در واحد مسکونی همچون شرایط راه‌پله، خدمات لوله‌کشی و تعمیر روشنایی در راهروها، لوله‌کشی و اندازه راهروها و مناطق جمع‌آوری زباله و رضایت از امکانات عمومی و محیط اجتماعی در منطقه مسکونی همچون امنیت، سطح جرم، انسجام جامعه و روابط همسایگی را مطالعه کردند. رفیعیان و همکاران (2011) رضایتمندی شهروندان از محیط‌های سکونتی شهری را مورد سنجش قرار داده‌اند. از جمله معیارهای آن‌ها؛ اندازه فضاها، واحد مسکونی، مساحت واحد مسکونی، تعداد واحد مسکونی در ساختمان است. رضایی و کمایی زاده (2012)، هم در پژوهش‌هایی مشابه، همین معیارها را در بین مجموعه معیارهای مورد بررسی خود قرار دادند.

جدول ۲: مؤلفه‌های کالبدی رضایتمندی سکونتی مرتبط با موضوع پژوهش

مؤلفه‌ها	مأخذ
ابعاد و اندازه‌های فضاها، واحد مسکونی	Gordon Show, 1994, Mohit, 2004, Mulder & Hooimeijer, 1999, Li & Song, 2006, Maccree et al., 2005, Van pol, 1997, Rezaei & Komaei zade, 2012, Rafeian et.al, 2011, Mohit et al., 2010 نوری، اسدپور، ۱۳۹۵، جمینی و دیگران، ۱۳۹۳، نوری، اسدپور، ۱۳۹۵، شعبانی، ۱۳۹۵، آجیلیان ممتاز و دیگران، ۱۳۹۵، حاج حسینی، شهبان، ۱۳۹۱، حبیبی و مرزبان، ۱۳۹۶
مساحت واحد مسکونی	Van pol, 1997, Rezaei & Komaei zade, 2012, Rafeian et.al, 2011

نورى، اسدپور، ۱۳۹۵، حاتمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶، جمینی و دیگران، ۱۳۹۳، حبیبی و مرزبان، ۱۳۹۶	
Amérigo & Aragonés, 1990, Amérigo & Aragonés, 1997, Choudhury, 2005 لاهورتی و دیگران، ۱۳۹۴	مساحت فضاها
GordonShow, 1994, Morris & Winter, 1978, Mulder & Hooimeijer, 1999, Li & Song, 2006, Salleh & Yuosof, 2006	طراحی واحد مسکونی
Van pol,1997, Rezaei & Komaei zade,2012, Rafeian et.al,2011 حبیبی و مرزبان، ۱۳۹۶	تعداد واحد مسکونی در ساختمان
Mecrea et al, 2005, Parasuraman et al, 1985, Hui & Zheng, 2010 امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰، پوردیپیمی و نورتقانی، ۱۳۹۱، نقدی و دیگران، ۱۳۹۴، شعبانی، ۱۳۹۵	مدت اقامت
Galster & Hesser, 1981	نوع مسکن
Galster & Hesser, 1981	اندازه مسکن
Mohit et al., 2010 جمینی و دیگران، ۱۳۹۳، حبیبی و مرزبان، ۱۳۹۶، آجیلیان ممتاز و دیگران، ۱۳۹۵	تعداد اتاقها
Mohit et al., 2010	اندازه اتاقها
Galster & Hesser, 1981 حاتمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶، جمینی و دیگران، ۱۳۹۳، آجیلیان ممتاز و دیگران، ۱۳۹۵	تراکم انسانی و ازدحام
گیفورد، ۱۳۷۸	تعداد اعضای خانوار

(مأخذ: نگارندگان)

همان طور که گفته شد، ابعاد فضا در پژوهش‌های مختلفی مطرح شده است. به‌طور کلی ابعاد و اندازه‌های فضاهاى واحد مسکونی توسط پژوهش‌های زیادی از جمله محیط (2004)، مک کری و همکاران (2005) و لی و سانگ (2006) مطرح و ارزیابی شده است. این مؤلفه تحت عنوان مساحت فضا در پژوهش‌های ون پل (1997)، آمریگو و آراگونس (1997) و چود هاری (2005) هم مطرح شده است. همچنین این مؤلفه تحت عنوان مساحت واحد مسکونی توسط رفیعیان (2011) و رضایی و کمایی زاده (2012) تعریف شده است.

اقامت ساکنین

یکی از ابعاد ارزیابی رضایت از سکونت، میل به اقامت طولانی‌تر در آن مکان است؛ به‌طوری‌که وقتی فردی از مکان سکونت خود رضایت بیشتری داشته باشد، تمایل به اقامت طولانی‌تر در آن مکان دارد (Parasuraman et al, 1985). هالبواکس عقیده دارد اگر میان خانه‌ها، کوچه‌ها و گروه‌های ساکن آن، رابطه‌ای تصادفی و کوتاه‌مدت برقرار بود، پیش‌بینی می‌شود که انسان‌ها می‌توانستند خانه، محله و شهرشان را تخریب کنند و طبق نقشه‌ای متفاوت بسازند و به جریان زندگی خود ادامه دهند؛ اما به دلیل ساختار درهم تنیده موجود نمی‌توان رابطه انسان‌ها را تغییر داد. وقتی یک گروه انسانی در محلی زندگی می‌کند که با عادت‌هایش سازگار است، نه‌تنها رفتار بیرونی‌اش، بلکه تفکراتش نیز بر پایه توالی تصویرهای

مادی - که اشیای خارجی در معرض دیدش قرار می‌دهند - انتظام می‌یابد (فیالکوف، ۱۳۸۳). زمزوری (2008)، در سطح کلی‌تری از رضایتمندی اذعان می‌دارد اگر فردی از محصولی راضی است، در آینده نیز به خریداری همان محصول یا محصولات مشابه می‌پردازد (Zamzuri et al, 2008)؛ بر این اساس می‌توان گفت، فرد در صورت رضایت از مکان، سعی می‌کند حتی در زمانی که به دلایل مختلف آن مکان را ترک کند، در خانه‌های مشابه سکنی گزیند (Hui & Zheng, 2010). این موضوع می‌تواند در ساخت مجموعه‌های مسکونی تازه‌ساز بر اساس طرح‌هایی همچون مسکن مهر یا مسکن اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و نتایج این پژوهش می‌تواند الگوی مناسبی برای ساخت این‌گونه مجموعه‌ها فراهم سازد.

از نگاه کاساردا و جانویتز متغیر مدت اقامت در کنار شبکه‌های اجتماعی محلی، بر دل‌بستگی به مکان‌های محلی و به تبع آن رضایتمندی از مکان تأثیر می‌گذارد. به اعتقاد آن‌ها، ثبات اقامت مسکونی در واحدهای همسایگی، بهترین پیش‌بینی کننده دل‌بستگی به مکان‌های محلی است. استدلال آن‌ها این است که این ثبات، امکان آشنایی و ارتباط همسایگان را افزایش می‌دهد و پیوندهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی را در میان ساکنان تقویت می‌کند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰). بنابراین، می‌توان گفت که مدت سکونت، شاخص خوبی برای ارزیابی رضایتمندی و ماندگاری در یک مکان است؛ زیرا ساکنانی که مدت طولانی در یک محله زندگی می‌کنند، زمان کافی برای هویت بخشی به آن را داشته‌اند. مدت سکونت، احتمال اینکه ساکنان، همسایگان خود را بشناسند و توسط آن‌ها شناخته شوند را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، طولانی شدن مدت سکونت، به‌طور بالقوه سبب افزایش دل‌بستگی می‌شود (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۱). بر این اساس در این پژوهش، مدت اقامت به‌عنوان متغیر کنترل و میل به اقامت بیشتر ساکنین به‌عنوان متغیر وابسته بررسی می‌شوند.

روش تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ابعاد فضاهای داخلی مسکن معاصر بر رضایتمندی و اقامت ساکنین می‌باشد. این پژوهش با رویکردی کمی و با دو روش تحلیل محتوا و پیمایشی انجام شده است. در ابتدا این پژوهش تحلیل محتوای اسنادی با جامعه آماری پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایتمندی سکونتی با رویکردهای سکونت و شهری در همه سطوح با تمرکز بر تعاریف، ابعاد، مقیاس‌ها و شاخص‌های مطرح شده در تحقیقات از حدود ۱۹۰۰ میلادی تا ۲۰۱۸ را مدنظر قرار داده است. نمونه‌برداری در این بخش به‌صورت هدفمند و با ساختار گلوله برفی بوده است؛ بر این اساس که با یافتن هر مقاله متناسب با موضوع مطالب برداشت شده

است و بر اساس منابع آن مقاله، مقاله‌های دیگر در این حوزه جستجو شده و مقدار نمونه بر اساس اشباع نظری در هر حوزه بوده است؛ یعنی نمونه‌برداری تا حدی ادامه پیدا کرده است که با اضافه شدن نمونه‌ها، داده‌های جدیدی به پژوهش اضافه نشده است. کلمات کلیدی جستجو، واژگان رضایتمندی (Satisfaction)، کیفیت زندگی (Quality of Life) و کیفیت محیطی (Environmental Quality) می‌باشد. یافته‌ها در این بخش در قالب آمار توصیفی انجام شده است.

در بخش دوم، پیمایش در سه بخش، ابعاد فضاهای مسکن، رضایتمندی سکونتی و میل به اقامت بیشتر با جامعه آماری ساکنین مسکن معاصر انجام شده است. الگوی مسکن معاصر مورد بررسی با توجه به سرشماری ۱۳۹۵، مسکن آپارتمانی متداول با تعداد واحد محدود، زیر ۱۰ واحدی انتخاب شده است که رایج‌ترین الگوی مسکن در شهرهای بزرگ و به‌خصوص در شهر اصفهان است. متراژ واحدهای مسکونی کنترل نشده است و به‌عنوان یکی از زیر مؤلفه‌های متغیر ابعاد فضاهای مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است.

شهر اصفهان، یکی از شهرهای بزرگ ایران به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش مطرح شده است. متغیرهای کنترل پژوهش نوع مسکن و مدت اقامت است؛ به‌طوری‌که گفته شد، نوع مسکن، آپارتمانی زیر ۱۰ واحدی و مدت اقامت ساکنین بالای یک سال در نظر گرفته شده است. حجم نمونه با توجه به نظر کلینجر با توجه به وجود ۵ متغیر ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شده است که با افزایش ۳۰ نفر به‌منظور دقت بیشتر، حجم نمونه نهایی ۲۸۰ نفر شد و با حذف ۱۰ نفر، حجم نمونه این پژوهش ۲۷۰ نفر تأیید شد. نمونه‌برداری به‌صورت تصادفی انجام شده است.

جدول ۳: بررسی آلفای کرومباخ هر یک از متغیرها و کل پرسشنامه

متغیر	نما در مدل	آلفای کرومباخ
ابعاد فضاهای مسکن	A	۰/۷۴۶
میل به اقامت ساکنین	I	۰/۷۵۴
رضایتمندی سکونتی	S	۰/۷۱۵
کل پرسشنامه		۰/۸۰۱

(مأخذ: نگارندگان)

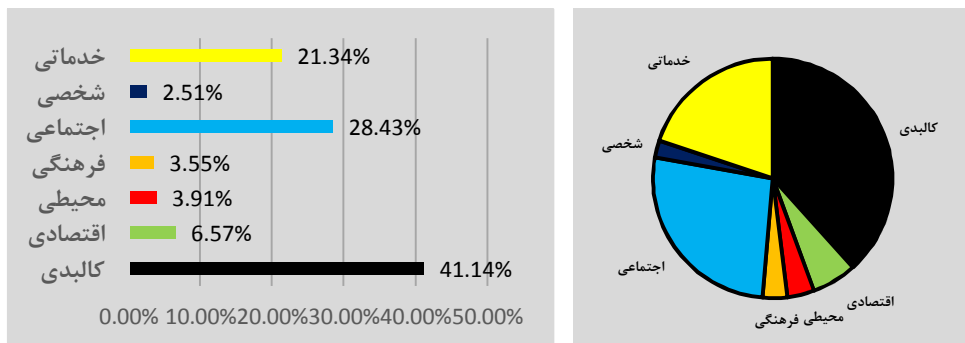
پرسشنامه در سه بخش ابعاد فضاهای مسکونی، رضایتمندی ساکنین و میل به اقامت بیشتر مورد سؤال قرار گرفته است. در بخش ابعاد فضاهای مسکونی به دلیل عدم تنوع در ارتفاع فضاهای مسکونی، این مؤلفه کنترل شده است و تنها در حوزه مساحت فضاهای مسکونی پیمایش انجام شده است. در این بخش، شش سؤال شامل مساحت کل فضای مسکونی، هال و

پذیرایی، آشپزخانه، اتاق‌های خواب، سرویس بهداشتی و حمام تحت طیف لیکرت پنج‌تایی مطرح‌شده است. طیف لیکرت مساحت واحد مسکونی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ و رایج‌ترین ابعاد واحدهای مسکونی آپارتمانی به‌دست‌آمده است.

در این تحقیق، برای برآورد پایایی پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده‌شده که برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود. مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای تحقیق و همچنین برای کل سؤالات پرسشنامه به‌دست‌آمده که همگی بالای ۰/۷ بوده و در محدوده مطلوب قرار دارند. بنابراین پایایی مناسب پرسشنامه تأیید می‌شود. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه از نظرات متخصصان و کارشناسان مربوطه استفاده شد. به این صورت که پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از آنان قرار گرفت و پس از اعمال نظرات آنان در پرسشنامه، در نهایت روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌ها ابتدا به بررسی ادبیات موضوعی در حوزه رضایتمندی سکونتی پرداخته می‌شود. همان‌طور که گفته شد، در این پژوهش، به‌منظور یافتن جایگاه ابعاد و اندازه‌های داخلی مسکن به‌عنوان یک شاخص در رضایتمندی سکونتی، ۱۶۰ پژوهش در این حوزه بر مبنای شاخص‌های مورد تحلیل محتوا قرار گرفته‌اند. در این بین، ۱۳۵۴ مورد شاخص به دست آمد که بر مبنای پژوهش طاهرطلوع دل و حیدری پور (۱۳۹۸) تقسیم‌بندی شد.

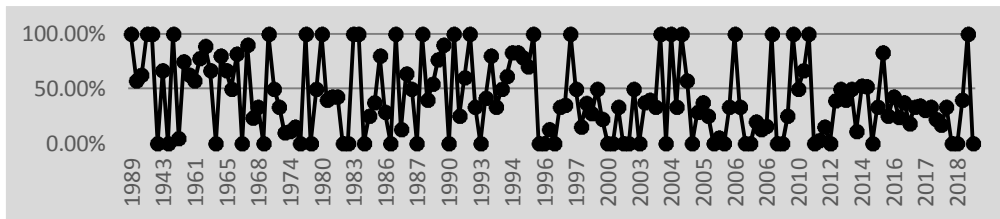


نمودار ۱ و ۲: فراوانی شاخص‌های رضایتمندی سکونتی بر مبنای کلمات کلیدی (مأخذ: نگارندگان)

بر اساس این تقسیم‌بندی اکثریت شاخص‌ها یعنی ۶۹/۲۰ درصد شاخص‌ها دارای رویکردی عینی می‌باشند. شاخص‌های ذهنی حدود ۱۸ درصد و شاخص‌های رفتاری حدود ۱۳ درصد شاخص‌ها را دربرمی‌گیرند. همچنین فراوانی شاخص‌ها در هر یک از ابعاد رضایتمندی

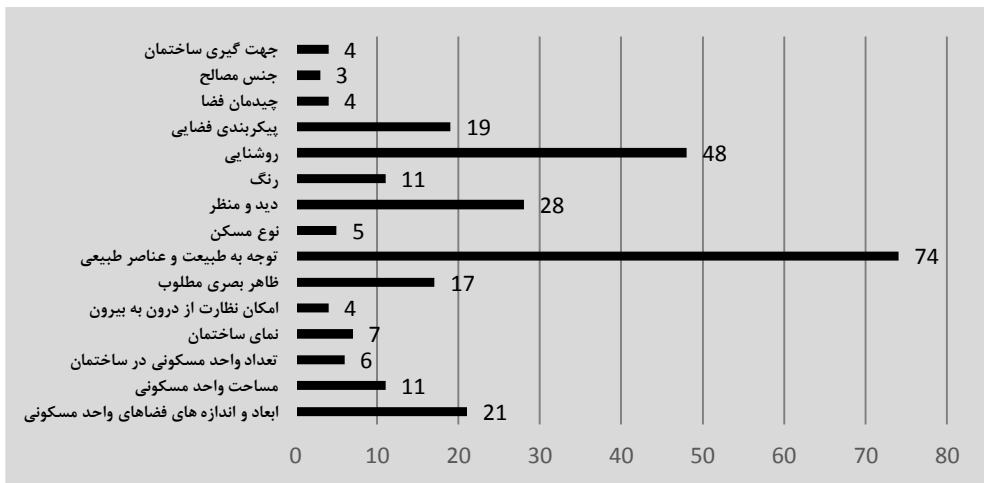
سکونت بر اساس طاهرطلوع و حیدری پور (۱۳۹۸) مورد بررسی قرار گرفت که از این بین، بیشترین تعداد شاخص مربوط به بعد کالبدی است که ۴۱/۱۴ درصد از کل را به خود اختصاص داده است. پس از شاخص‌های کالبدی، شاخص‌های اجتماعی با ۲۸/۴۳ درصد، بیشترین کاربرد را داشته‌اند. کمترین شاخص‌ها در این بین شاخص‌های شخصی هستند که تنها ۲/۵۱ درصد شاخص‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین می‌توان شاخص‌های کالبدی را مورد توجه‌ترین بعد رضایتمندی سکونت دانست.

همچنین به‌منظور بررسی دقیق‌تر شاخص‌های کالبدی، خط زمانی ارجاع به این شاخص‌ها در پژوهش‌ها در طی سال‌های انتشار ۱۶۰ مورد پژوهش انجام شده، مد نظر قرار گرفته است. همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود، شاخص‌های کالبدی از حدود ۱۹۰۰ در مباحث کیفیت زندگی، رضایتمندی و کیفیت محیطی مورد توجه بوده‌اند. به‌طوری‌که در بین این ۱۶۰ مورد پژوهش، تنها ۳۶ مورد هستند که به بررسی شاخص‌های کالبدی نپرداخته‌اند که در بین آن‌ها، اکثریت پژوهش‌ها، وجود این شاخص‌ها را رد نکرده و تنها از پرداختن به آن خودداری کرده‌اند.



نمودار ۳: خط زمانی فراوانی شاخص‌های کالبدی رضایتمندی سکونت (مأخذ: نگارندگان)

در ادامه به‌منظور یافتن جایگاه شاخص ابعاد و اندازه فضاهای داخلی، در بین ۱۶۰ پژوهش انجام‌شده، فراوانی هر یک از شاخص‌های کالبدی به‌دست‌آمده‌اند. در این بین ۱۵ شاخص، بالای ۳ مرتبه مورد توجه بوده‌اند و در بین ۱۵ شاخص به‌دست‌آمده، بیشترین توجه مربوط به شاخص توجه به طبیعت و عناصر طبیعی بوده است. شاخص روشنایی، از دیگر شاخص‌های کالبدی است که در ۴۸ پژوهش مورد توجه بوده است. پس روشنایی، دید و منظر با ۲۸ پژوهش، بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. شاخص ابعاد و اندازه فضاهای داخلی واحدهای مسکونی با ۲۱ مورد، در جایگاه چهارم قرار دارد. بنابراین این شاخص را می‌توان یکی از شاخص‌های مورد توجه پژوهشگران دانست؛ به‌طوری‌که ۱۳ درصد پژوهش‌ها، این شاخص‌ها رو مورد استفاده قرار داده‌اند.



نمودار ۴: فراوانی شاخص‌های کالبدی رضایتمندی سکونتی (مأخذ: نگارندگان)

در ادامه پژوهش، به منظور بررسی تأثیر شاخص ابعاد و اندازه‌های فضاهای داخلی بر رضایتمندی سکونتی، نتایج پیمایش انجام شده ارائه می‌گردد. در ابتدا، اطلاعات دموگرافیک واحدهای مسکونی منتخب به عنوان خوشه‌های نمونه برداری، که ساکنین آن‌ها مورد پیمایش قرار گرفته‌اند، به شرح زیر بر اساس تقسیم‌بندی متداول مرکز آمار ایران مشخص شده‌اند. همچنین در ادامه، خلاصه‌ای توصیفی از متغیرهای دموگرافیک شامل جنسیت، محدوده سنی، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات ۲۷۰ نفر ساکنین واحدهای مسکونی، که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند ارائه شده است؛ که از این تعداد، ۱۸۴ نفر مرد و ۸۶ نفر زن بوده‌اند.

جدول ۵: جدول بررسی ابعاد واحدهای مسکونی

مترائز	تعداد	درصد	درصد تجمعی
زیر ۷۵ مترمربع	۴	۱/۵	۱/۵
۷۶ تا ۸۰ مترمربع	۱۰۲	۳۷/۸	۳۹/۳
۸۱ تا ۱۰۰ مترمربع	۶۶	۲۴/۴	۶۳/۷
۱۰۱ تا ۱۵۰ مترمربع	۸۹	۳۳/۰	۹۶/۷
۱۵۰ مترمربع به بالا	۹	۳/۳	۱۰۰/۰
جمع	۲۷۰	۱۰۰/۰	

(مأخذ: نگارندگان)

علاوه بر جنسیت، سایر اطلاعات دموگرافیک ساکنین مورد پیمایش، شامل محدوده سنی، مقطع تحصیلی و وضعیت تأهل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. محدود سنی افراد شامل کمتر از

۲۹ سال (۲۲ نفر)، ۳۰ تا ۳۹ سال (۱۲۵ نفر) و بالای ۴۰ سال (۱۲۳ نفر) به دست آمده است. همچنین، مقطع تحصیلی ساکنین شامل کمتر از کارشناسی (۳۰ نفر)، کارشناسی (۱۸۱ نفر)، کارشناسی ارشد (۵۴ نفر) و دکتری (۵ نفر) می‌باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی جنسیت

متغیر	مؤلفه	تعداد	درصد	درصد تراکمی
جنسیت	مرد	۱۸۴	۶۸.۱	۶۸.۱
	زن	۸۶	۳۱.۹	۱۰۰.۰
محدوده سنی	کمتر از ۲۹ سال	۲۲	۸.۱	۸.۱
	۳۰ - ۳۹	۱۲۵	۴۶.۳	۵۴.۴
	بالای ۴۰ سال	۱۲۳	۴۵.۶	۱۰۰.۰
مقطع تحصیلی	کمتر از کارشناسی	۳۰	۱۱.۱	۱۱.۱
	کارشناسی	۱۸۱	۶۷.۰	۷۸.۱
	کارشناسی ارشد	۵۴	۲۰.۰	۹۸.۱
	دکتر	۵	۱.۹	۱۰۰.۰
وضعیت تأهل	متاهل	۱۸۷	۶۹.۳	۶۹.۳
	مجرد	۸۳	۳۰.۷	۱۰۰.۰
کل		۲۷۰	۱۰۰.۰	

(مأخذ: نگارندگان)

به‌منظور بررسی تطبیقی تأثیر سه متغیر اصلی پژوهش، همبستگی پیرسون بین آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. همین‌طور که در جدول قابل مشاهده است مساحت فضاهای مسکونی با میل به اقامت بیشتر و رضایتمندی ساکنین همبستگی مثبت و حدود ۰/۵ دارد. معناداری همه نتایج کمتر از ۰/۰۵ است که تأیید می‌شود. نتایج نشان می‌دهد ابعاد فضاهای مسکونی با دو متغیر دیگر رابطه مستقیم و تقریباً مساوی دارد؛ اما تأثیر میل به اقامت کمی بیشتر است.

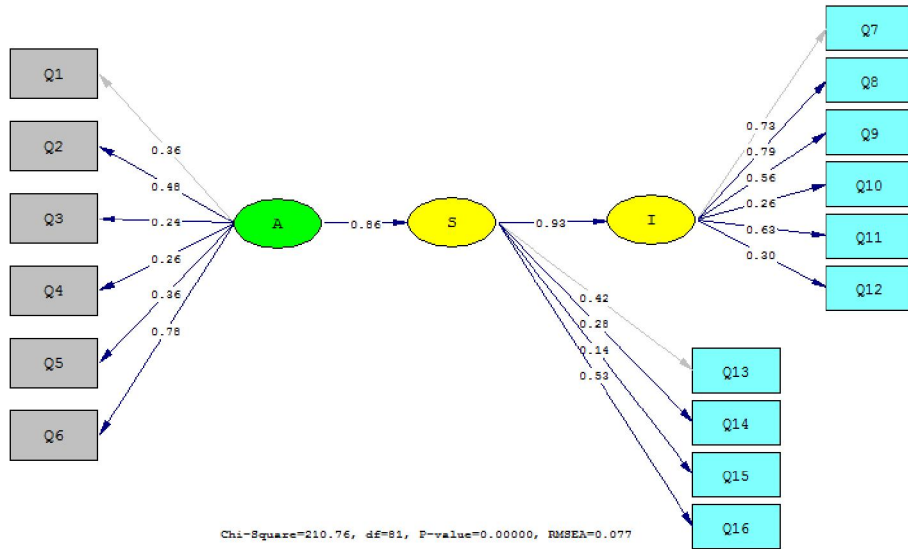
جدول ۶: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	مساحت فضاها	میل به اقامت طولانی‌تر	رضایتمندی ساکنین
مساحت فضاها	1	.467**	.383**
	Pearson Correlation	.000	.000
میل به اقامت طولانی‌تر	.467**	1	.455**
	Pearson Correlation	.000	.000
رضایتمندی ساکنین	.383**	.455**	1
	Pearson Correlation	.000	.000

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

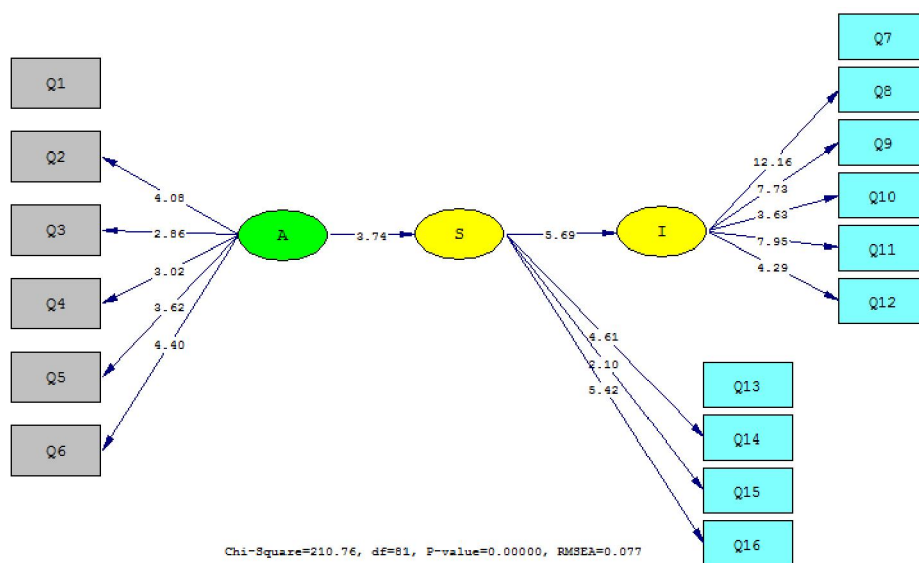
(مأخذ: نگارندگان)

در این بخش به منظور تثبیت نتایج و یافتن تأثیر هر یک از متغیرها از مدل‌یابی استفاده می‌شود. تصویر، نمودار حاصل از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای مدل مفهومی تحقیق را نشان می‌دهد که با استفاده از نرم‌افزار لیزرل رسم شده است.



تصویر ۱: مدل پژوهش با ضرایب استاندارد (مأخذ: نگارندگان)

این نمودار یک تصویر کلی از مدل مورد بررسی و چگونگی ارتباط متغیرها با یکدیگر را به همراه بارهای عاملی استاندارد شده (ضرایب مسیر) نشان می‌دهد. در این تصویر مستطیل‌ها نشان‌دهنده سؤالات پرسشنامه و بیضی‌ها نشان‌دهنده سازه‌های پرسشنامه هستند. به این صورت که بیضی سبز رنگ با نام A نشان‌دهنده متغیر مستقل تحقیق یعنی مساحت، بیضی زرد رنگ با نام S نشان‌دهنده متغیر میانجی یعنی رضایتمندی و بیضی زرد رنگ با نام I نشان‌دهنده متغیر وابسته تحقیق یعنی مدت اقامت است. همچنین تصویر زیر، نمودار حاصل از مدل پژوهش را در حالت معناداری نشان می‌دهد که در آن اگر قدر مطلق مقدار معناداری بزرگ‌تر از ۱,۹۶ باشد، نشان‌دهنده معناداری مسیر مربوطه است.



تصویر ۲: مدل پژوهش در حالت معناداری (مأخذ: نگارندگان)

بر اساس نتایج مدل، جدول ۷، برآورد ضریب مسیر استاندارد شده، خطای استاندارد و آماره T حاصل از روش معادلات ساختاری برای بررسی نقش میانجی رضایتمندی در رابطه میان مساحت و مدت اقامت را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌گردد، با توجه به اینکه مقدار آماره T برای هر دو مسیر بزرگ‌تر از ۱,۹۶ می‌باشد لذا هر دو مسیر معنادار می‌باشند.

جدول ۷: نتایج روش مدل‌یابی معادلات ساختاری

آماره T	خطای استاندارد	ضریب مسیر استاندارد	مسیر
۳,۶۶	۰,۹۳	۰,۸۶	مساحت ← رضایتمندی
۵,۶۰	۰,۱۳	۰,۹۳	رضایتمندی ← مدت اقامت

(مأخذ: نگارندگان)

به عبارت دیگر متغیر مساحت با ضریب مسیر استاندارد ۰,۸۶ بر متغیر رضایتمندی تأثیر معناداری دارد. همچنین متغیر رضایتمندی با ضریب مسیر استاندارد ۰,۹۳ بر مدت اقامت تأثیر معناداری دارد. بنابراین رضایتمندی در رابطه میان مساحت و مدت اقامت نقش میانجی‌گری دارد.

در ادامه، به بررسی کفایت مدل پرداخته می‌شود. در روش معادلات ساختاری، برای بررسی کفایت مدل از آزمون‌های مختلفی که به‌طور کلی شاخص‌های برازندگی (Fitting indexes) نامیده می‌شوند، استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول آمده، مقدار آماره کای دو

۲۱۰,۷۶ با ۸۱ درجه آزادی می‌باشد که با توجه به اینکه نسبت آن‌ها کمتر از ۳ می‌باشد، نتیجه می‌شود که مدل دارای برازش خوبی است.

جدول ۸: آماره‌های کای دو و شاخص‌های برازندگی مدل

مقدار مطلوب	مقدار شاخص	شاخص	
		کای دو	Chi-Square
	۲۱۰,۷۶	درجه آزادی	DF
	۸۱	شاخص نیکویی برازش	GFI
>۰,۹۰	۰,۹۱	شاخص برازش افزایشی	IFI
>۰,۹۰	۰,۹۳	شاخص برازش هنجار شده	NFI
>۰,۹۰	۰,۹۰	شاخص برازش تطبیقی	CFI
>۰,۹۰	۰,۹۳	ریشه میانگین مجذور خطای تقریب	RMSEA
<۰,۰۸	۰,۰۷۷		

(مأخذ: نگارندگان)

همچنین مقدار GFI و IFI محاسبه شده به ترتیب برابر با ۰,۹۱ و ۰,۹۳ می‌باشد و نشان می‌دهند که مدل از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. مقدار NFI برابر با ۰,۹۰ و مقدار CFI هم برابر با ۰,۹۳ می‌باشد که با استفاده از این دو شاخص هم مدل خوب ارزیابی می‌شود. مقدار RMSEA برابر با ۰,۰۷۷ که این شاخص هم برازش خوب مدل را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام شده در پیشینه پژوهش، می‌توان نتیجه‌گیری کرد رضایتمندی سکونتی مفهومی پیچیده و دارای ابعاد متنوعی می‌باشد؛ به طوری که برای بررسی همه‌جانبه آن نیاز به توجه به تمام ابعاد آن می‌باشد. همچنین بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های کالبدی یکی از ابعاد جدایی‌ناپذیر رضایتمندی سکونتی می‌باشد. این بعد از رضایتمندی سکونتی، دارای شاخص‌های متنوعی می‌باشد و بر اساس یافته‌ها یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آن، ابعاد و اندازه‌های فضاهای داخلی می‌باشد.

بر اساس فرضیه ابتدای پژوهش مبنی بر تأثیر ابعاد و اندازه‌های واحد مسکونی بر رضایتمندی، پیش‌بینی می‌شد که رابطه معنادار و مستقیمی بین این دو متغیر وجود داشته باشد. همچنین پیش‌بینی می‌شد رابطه معناداری بین ابعاد و اندازه‌ها و میل به اقامت بیشتر با متغیر میانجی رضایتمندی سکونتی وجود داشته باشد. یافته‌های پژوهش، این پیش‌بینی را تأیید کرد؛ به طوری که بر اساس مدل ساختاری پژوهش، یافته‌ها حاکی از رابطه معنادار و قوی

بین این سه متغیر می‌باشد. بر مبنای نتایج می‌توان ابعاد و اندازه‌های فضاهای واحد مسکونی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی رضایتمندی سکونتی معرفی کرد.

بر این اساس می‌توان فهمید با تغییر ابعاد فضاهای واحد مسکونی، رضایتمندی ساکنین تا ۸۶ درصد تحت تأثیر قرار می‌گیرد که عدد قابل توجهی می‌باشد. همچنین این رویداد می‌تواند تا ۹۳ درصد تمایل به اقامت را در ساکنین افزایش دهد. به دلیل ساختار چندبعدی رضایتمندی سکونتی، نمی‌تواند دلیل قطعی و دقیقی برای این اتفاق معرفی کرد اما می‌توان پیش‌بینی کرد که افزایش ابعاد فضا به تداخل کمتر حریم‌های عملکردی منجر می‌شود. از دیگر دلایلی که می‌توان پیش‌بینی کرد در این رابطه تأثیرگذار باشد، مباحث فرهنگی است که در این پژوهش سعی شده بود با به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شود.

با توجه به اینکه همبستگی بین متغیرها کمتر از $0/5$ و ضریب مسیر آن‌ها بالاتر از $0/8$ می‌باشد می‌توان فهمید که رابطه غیرخطی بین ابعاد و دو متغیر دیگر موجود می‌باشد که نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد. نقطه عطف نمودار را می‌تواند ابعاد استاندارد فضا پیش‌بینی کرد. به هر صورت بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان تشخیص داد که دلیل متروک ماندن برخی مجتمع‌های مسکونی را می‌توان عدم توجه به ابعاد متناسب با عملکردها و سایر شاخص‌های رضایتمندی دانست که نیاز به توجه بیشتر دارد.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابدالی، ی. رضویان، م. علی پوری، ا. نادى زاده، ش. ۱۳۹۹. ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از کیفیت مجتمع‌های مسکن مهر (مطالعه موردی: شهر نورآباد). آمایش محیط، ۱۳(۵۱): ۴۳-۶۲.
- ۲- آجیلیان ممتاز، ش. رفیعیان، م. آقا صفری، ع. ۱۳۹۵. اصول، ابعاد و متغیرهای رضایتمندی سکونتی در برنامه‌ریزی مسکن مهر، مطالعه موردی: شهرک مهرگان. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری، ۱۹؛ ۲۷-۳۶.
- ۳- امیرکافی، م. فتحی، ش. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی مطالعه موردی شهر کرمان. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۱): ۱-۲۶.
- ۴- پوردیهیمی، ش. نورتقانی، ع. ۱۳۹۲. هویت و مسکن: بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۴۱؛ ۳-۱۸.
- ۵- رفیعیان، م. امین‌صاحی، ا. تقوایی، ع. ۱۳۸۹. سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۴(۴): ۶۳-۸۵.
- ۶- رفیعیان، م. عسگری زاده، ز. عسگری زاده، م. ۱۳۸۸. ارزیابی میزان کیفیت مجتمع‌های سکونتی با تأکید بر رویکرد رضایتمندی در محله نواب. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۶۷؛ ۵۳-۶۸.
- ۷- شعبانی، م. ۱۳۹۵. تأثیر شاخصه‌های اجتماعی بر رضایتمندی ساکنان مناطق مرکزی پاریس. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۴(۱۲).
- ۸- طاهرطلوع دل، م. حیدری پور، ا. ۱۳۹۸. مدل جامع‌نگر شاخص‌های کیفیت زندگی در محیط‌های سکونتی، پژوهش منتشر نشده. دانشگاه شهید رجایی تهران.
- ۹- عباس زاده، ش. گوهری، ف. عسگری رابری، ا. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر عوامل کیفیت محیطی بر رضایتمندی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی در مشهد. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۴): ۵۳-۶۷.
- ۱۰- علی پور، د. شهابیان، پ. ۱۳۹۸. ارزیابی عوامل مؤثر بر رضایتمندی از کیفیت محیطی محلات مسکونی (نمونه موردی: شهر جدید پردیس). آمایش محیط، ۱۲(۴۶): ۲۱-۴۰.

- ۱۱- فیالکوف، ی. ۱۳۸۳. جامعه‌شناسی شهر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات آگه.
- ۱۲- گیفورد، ر. ۱۳۷۸. روانشناسی محیط‌های مسکونی، ترجمه وحید قبادیان. فصلنامه معماری و فرهنگ، ۳؛ ۷۱-۹۸.
- ۱۳- نوری، م. اسدپور، ک. ۱۳۹۵. تبیین عوامل مؤثر بر میزان رضایتمندی ساکنان مسکن مهر از وضعیت سکونت؛ مطالعه موردی: شهر دهاقان. فصلنامه مطالعات شهری، ۱۸؛ ۶۳-۷۶.
- 14- Amérigo, M. Aragonés, J. 1990. Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10; 313-325.
- 15- Amérigo, M. Aragonés, J. 1997. A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology*, 17; 47-57.
- 16- Basolo, V. Strong, D. 2002. Understanding the neighborhood: From residents' perceptions and needs to action. *Housing Policy Debate*, 13(1); 83-105.
- 17- Bonaiuto, M. Aiello, A. Perugini, M. Bonnes, M. Ercolani, A. 1999. Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in the Urban Environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19; 331-352.
- 18- Bonaiuto, M. Fornara, F. Bonnes, M. 2006. Perceived Residential Environment Quality In middle- And low-Extension Italian Cities, *Revue Européenne de Psychologie Appliquée. European Review of Applied Psychology*, 56; 23-34.
- 19- Campbell, A. Converse, P.E. Rodgers, W.L. 1976. *The Quality of American Life*. Russell Sage Foundation, New York.
- 20- Canter, David V. 1977. *The Psychology of Place*, London, Architectural Press.
- 21- Choudhury, I. 2005. A Conceptual Model of Resident Satisfaction with Reference to Neighborhood Composition.
- 22- Choudhury, I. 2005. A Conceptual Model of Resident Satisfaction with Reference to Neighborhood Composition. *World Congress on Housing: Transforming Housing Environments*

- 23- Connerly, C., & Marans, R. W. 1988. Neighborhood Quality: A Description and Analysis of Indicators, In E. Huttman & W. Vleit (Eds.), *The US Handbook on Housing and Built Environment*, pp.37-62. Westwood: Greenwood Press.
- 24- Dekker, K., de Vos, S., Musterd, S. & van Kempen, R. 2011. Residential satisfaction in housing estates in European cities: A multi-level research approach. *Housing Studies*, 26(04); 479-499.
- 25- Foote, N. 1960. *Housing Choices and Housing Constraints*, New York: McGraw-Hill.
- 26- Francescato, G., Weidemann, S., and Anderson, J.R. 1987. Residential Satisfaction: Its Uses and Limitations in Housing Research, in van Vliet-, W., H. Choldin, W. Michelson, and D. Popenoe (eds.) *Housing and Neighborhoods, Theoretical and Empirical Contributions*, New York: Greenwood Press.
- 27- Galster, G. C. Hesser, G.W. 1981. Residential Satisfaction Composition and Contextual Correlates. *Environment and Behavior*, 13 (6): 735-758.
- 28- Ge, Jian. Kazunori, H. 2006. Research on residential lifestyles in Japanese cities from the viewpoints of residential preference, residential choice and residential satisfaction. *Landscape and Urban Planning*, 78(3), 9.
- 29- Ghosh, S. 2006. Residential Differentiation, Mobility and Satisfaction.
- 30- Gifford, R. 1999. Perception and Recognition Environmental. Translated Dehbashy. *Architectural and Cultural Journal*, 2-3(1):21-29.
- 31- Gordon Show, J. Transit. 1994. *Density and Residential Satisfaction*, University of California at Berkeley.
- 32- Hui, E.C. Zheng, X. 2010. "Measuring customer satisfaction of FM service in housing sector: a structural equation model approach", *Facilities*, 28(5/6); 306-320.
- 33- Kearney AR. 2006. Residential development patterns and neighborhood satisfaction: impacts of density and nearby nature. *Environment and Behavior* 38(1):112-139.
- 34- Kellekci, O. Berköz, L. 2005. Determinants of users satisfaction and environment quality: sample of Istanbul metropolitan area, Istanbul technical university, faculty of architecture, Department of Urban and Regional Planning, 1-18.

- 35- Lansing, J. B. Marans, R.W. 1969. Evaluation of Neighborhood Quality, AIP Journal, 11; 195-199.
- 36- Li, S. Song, Y. 2009. Redevelopment, displacement, housing conditions, and residential satisfaction: A study of Shanghai, Environment and Planning, 41(5), 1090–1108.
- 37- McCrea, R., Stimson, R. J., Western, J. (2005). Testing a General Model of Satisfaction with Urban Living Using Data for South East Queensland. Australia, Social Indicators Research, 72; 121-152.
- 38- Mesch, Gustavo S. Manor, O. 1998. Social Ties, Environmental Perception, and Local Attachment. Journal of Environment And Behavior, 30; 504-519.
- 39- Mohit, M. A., Ibrahim, M. Rashid, Y. R. 2010. Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur, Malaysia, Habitat International, 34(1); 18–27.
- 40- Mohit, M. Azim, M. 2012. Assessment of residential satisfaction with public housing in hulhumale, procedia - social and behavioral sciences, 1-17.
- 41- Morris, E. W. Winter, M. 1978. Housing, Family, and Society. New York: Wiley.
- 42- Mulder, C. H. Hooimeijer, P. 1999. Residential Relocations in the Life Course. Wissenm, L. J. G., Dykstra, P. A., eds.(. Population Issues: An Interdisciplinary Focus, pp. 159-178. New York: Kluwer.
- 43- Parasuraman, A., Zeithaml, V.A. and Berry, L.L. 1985. “A conceptual model of service quality and its implications for future research”, Journal of Marketing, 49, 41-05.
- 44- Potter J and Cantarero R. 2006. How does increasing population and diversity affect resident satisfaction? Environment and Behavior 38(5):605–625.
- 45- Rezaei, M.R & Komaei zade, Y., 2012. Evaluating quality of life among resident in Mehr housing projects, A case study of Fatemieh housing site in Yazd, Yazd provience, Iran, Motaleat shahri journal, No.5, p13-26. [In Persian]
- 46- Sam, M. Zain, M.F.M. Zain O. Saadatian. 2012. Residential satisfaction; Meaning and interpretation Business Engineering and Industrial Applications Colloquium (BEIAC), IEEE Kuala Lumpur, Malaysia , 279–283.

- 47- Tan Teck-Hong. 2012. Housing satisfaction in medium- and high-cost housing: The case of Greater Kuala Lumpur, Malaysia, *Habitat International*, 36(1); 108– 116.
- 48- Van Poll R. 1997. The Perceived Quality of the Urban Residential Environment. A Multiattribute Evaluation. PhD thesis, Department of Behavioral and Social Sciences, University of Groningen, The Netherlands,
- 49- Yang, Y. 2008. A tale of two cities: Physical form and neighborhood satisfaction in metropolitan Portland and Charlotte, *Journal of the American Planning Association*, 74(3); 307–323.
- 50- Zamzuri, N.H., Mohamed, N. and Hussein, R. 2008. “Antecedents of customer satisfaction in repurchase intention in the electronic commerce environment”, *International Symposium on Information Technology (ITSim 2008)*, Kuala Lumpur, 22-26.